

## تاثیر کیفیت نهادی و محیط اقتصادی بر نرخ کارآفرینی: شواهدی از داده‌های پانل

محسن محمدی خیاره\*<sup>1</sup> - امینه زیوری<sup>2</sup>

1. استادیار اقتصاد گروه علوم اداری و اقتصادی دانشگاه گنبد کاووس

2. کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی دانشگاه گنبد کاووس

تاریخ دریافت: 1399/2/22

تاریخ پذیرش: 1399/5/30

### چکیده

از جمله عوامل مؤثر بر سطح فعالیت‌های کارآفرینانه، عملکرد محیط اقتصاد کلان و بهبود کیفیت نهادی است. هدف این مطالعه بررسی رابطه بین کیفیت نهادی، محیط اقتصاد کلان و فعالیت‌های کارآفرینی در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته، در دوره زمانی 2010-2018 است. برای سنجش سطح فعالیت کارآفرینی از سه شاخص نرخ فعالیت کارآفرینی نوپا، نرخ کارآفرینی نوظهور، و نرخ کارآفرینی جدید و برای سنجش کیفیت نهادها از شاخص رقابت‌پذیری، آزادی اقتصادی و کیفیت حکمرانی استفاده شده است. روش پژوهش برحسب هدف، کاربردی و برحسب گردآوری اطلاعات، توصیفی-همبستگی است. داده‌های پژوهش از دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM) و نماگرهای توسعه جهانی (WDI)، استخراج و از طریق رویکرد تخمین‌زننده گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) با استفاده از نرم‌افزار STATA 14 تحلیل شد. نتایج نشان می‌دهد که تأثیر شاخص‌های در نظر گرفته شده (رشد تولید سرانه، بیکاری، تورم، نرخ مالیات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، دسترسی به تامین مالی، رقابت‌پذیری، شاخص آزادی اقتصادی و شاخص حکمرانی) برحسب نوع فعالیت کارآفرینی و میزان توسعه‌یافتگی کشورها متفاوت است. نتایج همچنین نشان داد که آزادی اقتصادی بیشتر با همه انواع کارآفرینی در کشورهای توسعه‌یافته ارتباط مثبتی دارد. علاوه بر این، کیفیت حکمرانی و رقابت‌پذیری اقتصادی کشورها ارتباط معکوسی با فعالیت کارآفرینی در کشورهای توسعه‌یافته و ارتباط مثبت با کشورهای در حال توسعه است. یافته‌های مطالعه حاضر، می‌تواند مورد توجه سیاست‌گذاران در توسعه سیاست‌های مؤثر بر افزایش فعالیت کارآفرینی در کشورهای مختلف باشد.

**واژه‌های کلیدی:** آزادی اقتصادی، رقابت‌پذیری، کارآفرینی، کیفیت حکمرانی، کیفیت نهادی، طبقه‌بندی JEL:

E02، M13، L26

## مقدمه

نقش کلیدی کارآفرینی در توسعه اقتصاد ملی، علاقه پژوهشگران و سیاست‌گذاران را در تعیین عوامل مؤثر بر توسعه فعالیت‌های کارآفرینی افزایش داده است. وجود مطالعات فراوان در زمینه کیفیت نهادی و کارآفرینی مانند (Aidis, et al, 2010; Klapper, et al, 2010; Vidal- (Suñé & Lopez-Panisello, 2013, Simón-Moya, et al, 2014; Crnogaj, et al, 2016)، بیانگر این واقعیت است که سطح فعالیت‌های کارآفرینی نسبت به تغییرات اقتصاد کلان و محیط نهادی حساس هستند. علاوه بر این، برخی مطالعات تفاوت در میزان رشد اقتصادی کشورها را ناشی از دو عامل میزان کارآفرینی و نیز انواع فعالیت‌های کارآفرینانه ذکر کرده‌اند و همچنین بر نقش نهادها و کیفیت نهادی در توسعه کارآفرینی تاکید داشته‌اند (مرادی و همکاران، 1396؛ محمدزاده و همکاران، 1395).

با تأمل در مطالعات انجام شده در ادبیات کارآفرینی، می‌توان مشاهده نمود که تاکنون توجه فراوانی به بررسی چگونگی تأثیر چارچوب نهادی و کارآفرینی بر رشد اقتصادی صورت گرفته است (Nissan et al, 2011; Minniti & Lévesque, 2010). با وجود این، تأثیر سیاست‌های اقتصادی و چارچوب نهادی بر کارآفرینی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعات انجام شده اخیر تاکید می‌کنند که محیط نهادی ارتباط مستقیمی با فعالیت کارآفرینی دارد (van Stel et al, 2014; Aparicio et al, 2016). در همین راستا، ولتر و اسمالبان<sup>1</sup> (2011) بیان می‌کنند که اغلب تحقیقات کارآفرینی بر تحلیل‌های سطح خرد متمرکز شده‌اند، در حالی که رفتار کارآفرینی یک فرد باید در وهله اول، در محیط کسب‌وکاری که اتفاق می‌افتد مورد توجه قرار گیرد. همچنین، در وهله دوم، اهمیت کیفیت نهادی قابل ذکر است که از محیط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که کارآفرینان در آن فعالیت می‌کنند تشکیل شده است (Shane, 2003). در خصوص اهمیت ارتباط بین توسعه اقتصادی و کارآفرینی، آودرچ<sup>2</sup> و همکاران (2007) استدلال کرده‌اند که نوع اقتصادی که فرد در آن فعالیت می‌کند تأثیر بسزایی

---

1 Welter and Smallbone

2 Audretsch

بر تمایل وی برای فعالیت کارآفرینی دارد. همچنین، ونکرز و همکاران<sup>1</sup> (2005) دریافتند که نرخ کارآفرینی با مراحل توسعه اقتصادی ارتباط دارد و این مهم در تحقیقات باید مد نظر قرار گیرد. لذا، با توجه به فرض وجود همبستگی بین کارآفرینی و رشد و توسعه اقتصادی، بهبود شرایط نهادی برای فعالیت کارآفرینی، در اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب بسیار حائز اهمیت است. با توجه به موارد فوق، هدف این مطالعه بررسی چگونگی تأثیرپذیری فعالیت‌های کارآفرینانه نوپا از شرایط اقتصاد کلان و کیفیت نهادها (که از طریق رقابت‌پذیری، آزادی اقتصادی، و کیفیت حکمرانی منعکس می‌شود) در بین کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته در بازه زمانی 2010-2018 می‌باشد.

## مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### عوامل مؤثر بر کارآفرینی

ادبیات تخصصی موجود، برای توضیح دلایل اختلاف سطوح کارآفرینی در کشورهای مختلف، عوامل سطح خرد (Van Praag, 1999)، عوامل سطح کلان (Stenholm et al, 2013) و نقش نهادها (Goel et al, 2016) را مورد بررسی قرار داده‌اند (Chowdhury et al, 2019). سایر مطالعات بر نقش عوامل اقتصادی، تکنولوژیکی و فرهنگی روی شکل‌گیری فعالیت‌های کارآفرینانه تأکید کرده‌اند (Simón-Moya et al, 2014). در یک تقسیم‌بندی دیگر، عوامل مؤثر بر کارآفرینی به سه دسته عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تقسیم می‌شوند. از لحاظ اجتماعی، ساختار و توسعه اجتماعی یک کشور و همچنین فرهنگ از مهمترین عوامل هستند. با تمرکز دقیق بر موضوعات اجتماعی، ادبیات موجود اغلب به فضای اجتماعی شومپتر<sup>2</sup> (1934) اشاره دارد. این مفهوم شامل فضای جامعه‌شناختی، اقتصادی و نهادی جامعه‌ای است که کارآفرینان فعالیت‌هایشان را در آن انجام می‌دهند. این عوامل شامل ارزش‌های اجتماعی، آموزش، درجه آزادی اقتصادی و کیفیت نهادی است. برای بهبود و توسعه چنین فضای

1 Wennekers et al

2 Chumpeter

اجتماعی، وجود پایگاه‌های نهادی مستحکم ضروری است. محققان معتقدند که ایجاد نهادها و بهبود کیفیت آنها موجب ترغیب فعالیت بازار و جلوگیری از تکانه‌های اقتصادی می‌شود (Nissan et al. 2011). این نهادها معمولاً شامل: (1) فضای سیاسی (دموکراسی): پارلمان، نهادهای تنظیمی و نظارتی؛ (2) محیط اقتصادی: بانک مرکزی و نهادهای مالی و (3) محیط کارآفرینانه: حقوق مالکیت، نهادهای نظارتی برای اصلاح شکست بازار، سرمایه اجتماعی و حاکمیت قانون هستند. درخصوص کارآفرینی، برخی محققان معتقدند که ساختار نهادی، فعالیت‌های کارآفرینانه را محدود می‌کند (Baumol, 1990؛ Hall & Sobel, 2008, 1997). مطالعات موجود درخصوص تأثیر نهادها بر کارآفرینی، بین نهادهای رسمی و غیررسمی تفاوت قائل می‌شوند. هر دو نوع نهادها بر کارآفرینی تأثیر می‌گذارند، درحالی‌که این تأثیر بسته به نوع کارآفرینی متفاوت است (Williamson, 2013). علاوه بر این، محققان کارآفرینی معمولاً عوامل اقتصادی را نیز مورد توجه قرار می‌دهند. بطور کلی، نتایج تحقیقات انجام شده حاکی از آن است که تفاوت در روند کارآفرینی در کشورهای مختلف را می‌توان به تنوع در انواع فعالیت‌های کارآفرینی، ویژگی‌های محیط اقتصادی کلان و یا شرایط متفاوت نهادی نسبت داد.

### کیفیت نهادی و کارآفرینی

اهمیت نقش نهادها در ترغیب و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در مطالعات زیادی مورد بررسی قرار گرفته است (Acs et al, 2017, 2018; Bjørnskov & Foss, 2016; Stenholm et al, 2013). یافته‌های مطالعات مذکور گویای آن است که کیفیت نهادها عاملی برای تشویق کارآفرینی مولد و مانعی برای کارآفرینی غیرمولد محسوب می‌شوند. نهادهای حامی بازار (مانند آزادی اقتصادی، رقابت‌پذیری و کیفیت حکمرانی) منجر به افزایش نرخ فعالیت‌های کارآفرینانه می‌شوند (Urbano & Alvarez, 2014). در این راستا، بجورنسکو و فوس<sup>1</sup> (2008) تأثیر آزادی اقتصادی بر سطح فعالیت‌های کارآفرینانه را برای نمونه‌ای شامل 29 کشور مورد

1 Bjørnskov & Foss

بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان می‌دهد که اندازه دولت با فعالیت کارآفرینی ارتباطی منفی دارد. بطور مشابه، نیستروم<sup>1</sup> (2008) تأثیر نهادهای آزادی اقتصادی را بر کارآفرینی مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که بخش دولتی کوچکتر، ساختار قانونی بهتر و امنیت حقوق مالکیت ارتباط مثبتی با کارآفرینی دارد، و همچنین قوانین سخت‌گیرانه، بازرگاری، بازار کار و تجارت بر فعالیت کارآفرینانه تأثیر منفی دارد. نتایج بدست آمده بوسیله آیدیس و همکاران<sup>2</sup> (2010) نشان دادند که شکل‌گیری و راه‌اندازی کسب‌وکارها، به اندازه بخش دولتی و آزادی از فساد بستگی دارد.

برخی پژوهش‌ها نشان دادند همانطور که رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی یک کشور، افزایش می‌یابد، پویایی‌های کارآفرینانه در حال کاهش است (Acs & Amoros, 2008). درحالی‌که، اقتصادهایی با درجات پایین‌تر رقابت‌پذیری، نرخ‌های بالاتر فعالیت‌های کارآفرینانه را تجربه کرده‌اند (World Economic Forum, 2015). رقابت‌پذیری بیشتر اقتصادها منجر به ارائه شغل - های بهتر و بیشتری شده و لذا هزینه فرصت فعالیت کارآفرینی و خوداشتغالی افزایش می‌یابد که همین امر منجر به کاهش فعالیت‌های کارآفرینی و خوداشتغالی می‌شود. مطالعات تجربی مانند (Nyström, 2008; Aidis et al, 2010; Simón-Moya et al, 2014) رابطه بین آزادی اقتصادی و کارآفرینی را بررسی کرده‌اند و دریافته‌اند که شاخص آزادی اقتصادی ارتباط قوی و معناداری با فعالیت کارآفرینانه دارد. دیگر مطالعات مانند (Baumol, 1990; Dau & Cuervo-) (Cazurra, 2014; Rodríguez-Gulías et al, 2018) دریافته‌اند که کیفیت حکمرانی نیز یکی از مهمترین عوامل تعیین‌کننده پویایی فعالیت کارآفرینی است. سوبل<sup>3</sup> (2008) نشان می‌دهد که محیط‌هایی با نهادهای بهتر منجر به کارآفرینی مولد بیشتر، و همچنین کارآفرینی غیرمولد کمتر می‌شوند. همچنین، مطالعاتی مانند (Friedman, 2011; Dau & Cuervo-Cazurra, 2014) دریافته‌اند که حکمرانی ارتباط معکوسی با کارآفرینی دارد. نتایج مطالعات مذکور گویای آن است که فعالیت‌های کارآفرینی بسته به میزان کیفیت نهادی در جامعه می‌تواند اثرات متفاوت

1 Nyström

2 Aidis et al

3 Sobel

بر اقتصاد داشته باشد. از یک طرف در یک اقتصاد با درجات بالاتر کیفیت نهادی، میزان کارآفرینی به عنوان یکی از عوامل اساسی، رشد اقتصادی را افزایش می دهد ولی از طرف دیگر، در اقتصادهای با درجه پایین کیفیت نهادی، فعالیت های کارآفرینی غیرمولد شکل می گیرد که تاثیر ناچیز و یا حتی منفی بر رشد اقتصادی خواهند داشت. لذا از این بینش می توان در درک و توضیح اینکه چرا فعالیت های کارآفرینی در برخی کشورها سبب تقویت رشد اقتصادی شده ولی در برخی کشورهای دیگر باعث ترغیب رشد اقتصادی نشده است، استفاده کرد.

### عوامل اقتصاد کلان مؤثر بر کارآفرینی

مطالعات متعددی اشاره می کنند که محیط اقتصاد کلان یکی از عوامل کلیدی در ترغیب فعالیت کارآفرینی می باشد که توضیح دهنده شدت و انگیزه های کارآفرینی و تفاوت آن در بین کشورها می باشند (Audretsch et al, 2007; Sobel, 2008).

تولید ناخالص داخلی سرانه به عنوان یکی از عوامل اساسی محیط اقتصاد کلان یک کشور، تأثیر مهمی بر کارآفرینی دارد. زیرا افزایش در درآمد می تواند منجر به افزایش در تقاضا برای کالاها و خدمات موجود در بازار شود که اثر محرکی بر فعالیت کارآفرینی خواهد داشت (Klapper et al, 2010; Vidal-Suñé & Lopez-Panisello, 2013; Sayed & Slimane, 2014). نرخ بیکاری یکی دیگر از عوامل مهم تعیین کننده فعالیت کارآفرینی است، زیرا نداشتن شغل یا عدم توانایی برای یافتن شغل بر تصمیم فرد برای کارآفرین شدن تأثیر دارد. مطالعات متعددی مانند (Wennekers et al, 2005; Vivarelli, 2013; Simón-Moya et al, 2014) نتیجه گرفته اند، در اقتصادی که نرخ بیکاری بالاتر است احتمال تصمیم به کارآفرین شدن افراد افزایش می یابد.

نرخ تورم نیز می تواند تأثیر مثبت و یا منفی بر کارآفرینی داشته باشد. از یکسو، اغلب مطالعات (Vidal-Suñé & Lopez-Panisello, 2013; Sayed & Slimane, 2014) نشان می دهند که افزایش تورم منجر به افزایش فرصت های کسب و کار می شود؛ زیرا افزایش قیمت برای کالاها و خدمات ممکن است بر افزایش درآمد کارآفرینان نیز تأثیر گذار باشد. از سوی دیگر،

افزایش نرخ تورم می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌های شروع کسب و کارهای جدید شود (Salman, 2014) و همچنین ایجاد کسب و کارهای جدید را دلسرد می‌کند.

نرخ مالیات کل از دیگر شاخص‌های اقتصاد کلان است که بر فعالیت‌های کارآفرینی تأثیر دارد. نرخ‌های بالای مالیات تأثیر معکوسی بر فعالیت کارآفرینی و ایجاد کسب و کارها دارد؛ زیرا آنها مانعی برای راه‌اندازی کسب و کارهای جدید هستند و بنابراین منجر به کاهش فعالیت‌های کارآفرینانه می‌شوند، که در مطالعات تجربی متعددی در این زمینه (Aidis et al, 2010; Vidal-Suñé & Lopez-Panisello, 2013; Salman, 2014) این یافته‌ها تایید شده است.

تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) بر کارآفرینی می‌تواند مثبت یا منفی باشد و همچنین می‌تواند باعث افزایش جریان تجارت، پایداری رقابت‌پذیری صادرات، و افزایش مهارت‌های مدیریتی کارآفرینان شود. این پدیده توسط مطالعات متعددی نشان داده شده است (Meyer & Sinani, 2009; Doytch & Epperson, 2012; Kim & Li, 2014) به این صورت که، تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر فعالیت کارآفرینی به سطح توسعه کشورها بستگی دارد. علاوه بر این، مطالعات تجربی دیگر مانند (Ayyagari & Kosová, 2010) تأثیر منفی یا عدم تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر ایجاد کسب و کارهای جدید را با توجه به تمایز بین کشورها براساس درجه توسعه آنها نشان می‌دهند. وجود بنگاه‌های متعلق به خارجی‌ان در یک کشور می‌تواند تأثیر معکوسی بر ایجاد بنگاه‌های داخلی داشته باشد، زیرا ارتقا و پیشرفت تکنولوژیکی می‌تواند به‌عنوان مانعی برای ورود بنگاه‌های داخلی عمل کند (Ayyagari & Kosová, 2010).

اعتبار تخصیص یافته به بخش خصوصی منعکس‌کننده دسترسی بنگاه‌ها به منابع مالی می‌باشد. افزایش اعتبار تخصیص یافته به بخش خصوصی دسترسی آسان‌تر به وجوه مالی لازم را منعکس می‌کند و از طریق ترغیب ایجاد کسب و کارهای جدید و توسعه بنگاه‌های موجود، تأثیر مثبتی بر فعالیت‌های کارآفرینانه دارد. این موضوع بوسیله مطالعات متعددی نشان داده شده است (Vidal-Suñé & Lopez-Panisello, 2013; Sayed & Slimane, 2014).

با مروری بر مطالعات تجربی، نوآوری مطالعه حاضر نسبت به تحقیقات پیشین به صورت زیر است: در وهله اول، در اغلب مطالعات، به مبحث کیفیت نهادی و به ویژه آزادی اقتصادی، رقابت پذیری و کیفیت حکمرانی به صورت همزمان توجه چندانی نشده است. علاوه بر این، نتایج خصوصاً در مورد عوامل مؤثر بر فعالیت کارآفرینی در کشورهای مختلف توسعه اقتصادی برخوردارند، متفاوت است؛ که پرداختن به این موضوعات در مطالعه حاضر به عنوان نوآوری محسوب می شود. در وهله دوم، از آنجایی که در مطالعات قبلی اغلب از داده های مقطعی و یا نمونه های کوچک بین کشوری استفاده شده است، لذا این مطالعات نتوانسته اند تفاوت های مهم بین کشورها را به وضوح نشان دهند. از سوی دیگر، بررسی مطالعات تجربی نشانگر وجود تعداد کمی از تحقیقات اخیر است که بر مطالعه تطبیقی نمونه های بزرگ شامل کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته متمرکز شده باشد که پرداختن به این مهم، نوآوری دیگر مطالعه حاضر است. در وهله سوم، به منظور رفع مشکل درونزایی متغیرهای نهادی در مطالعه اثرگذاری نهادها بر رشد اقتصادی، استفاده از روش اقتصادسنجی گشتاورهای تعمیم یافته<sup>1</sup> (GMM) در داده های تابلویی پویا، دیگر نوآوری مطالعه حاضر نسبت به مطالعات پیشین است.

## روش شناسی

روش تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده ها از نوع توصیفی - همبستگی بوده و به دلیل اینکه داده ها در طول زمان و برای مقاطع مختلف جمع آوری شده اند از نوع پانلی است. داده های ثانویه در دوره زمانی 2010-2018، شامل شاخص های اقتصاد کلان از شاخص های توسعه جهانی بانک جهانی<sup>2</sup> (WDI)، شاخص فعالیت های کارآفرینی از دیده بان جهانی کارآفرینی<sup>3</sup> (GEM)، شاخص رقابت پذیری از مجمع جهانی اقتصاد<sup>4</sup> (WEF)،

1 General Method of Moments (GMM)

2 World Development Indicators (WDI)

3 Global Entrepreneurship Monitor (GEM)

4 World Economic Forum (WEF)



شاخص آزادی اقتصادی از بنیاد هریتیج<sup>1</sup> (HF)، و شاخص کیفیت حکمرانی از شاخص‌های حکمرانی جهانی<sup>2</sup> (WGI) استخراج شده‌اند. کشورهای مورد بررسی، مطابق با طبقه‌بندی بانک جهانی و بر اساس دسترسی به داده‌های آنها در دو گروه کشورهای منتخب توسعه‌یافته<sup>3</sup> و درحال توسعه<sup>4</sup> مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این مطالعه متغیر وابسته شامل نرخ کل کارآفرینی نوپا<sup>5</sup>، نرخ کارآفرینی نوظهور<sup>6</sup> و نرخ کارآفرینی جدید<sup>7</sup> است که به‌عنوان شاخص‌هایی برای سنجش سطح فعالیت‌های کارآفرینی مورد استفاده قرار می‌گیرند. علاوه‌براین، با توجه به ادبیات موجود کارآفرینی، دو گروه از عوامل به‌عنوان متغیرهای توضیحی انتخاب شده‌اند: عوامل مرتبط با محیط اقتصاد کلان و عوامل مرتبط با محیط نهادی. اولین گروه عوامل، شامل تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ بیکاری، نرخ تورم، نرخ مالیات، خالص جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اعتبار داخلی تخصیص‌یافته به بخش خصوصی می‌باشد. گروه دوم شامل متغیرهای کیفیت نهادی است که در این مطالعه از طریق شاخص رقابت‌پذیری جهانی؛ آزادی اقتصادی و کیفیت حکمرانی اندازه‌گیری می‌شوند. شاخص (GCI) براساس گزارش رقابت‌پذیری جهانی بر مبنای 1 تا 7 امتیازدهی می‌شود<sup>8</sup> (امتیاز بالاتر به معنی بالا بودن

1 Heritage Foundation(HF)

2Worldwide Governance Indicators (WGI)

3. استرالیا، اتریش، بلژیک، جمهوری چک، دانمارک، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، کره جنوبی، لتونی، لیتوانی، لوکزامبورگ، هلند، نورژ، لهستان، پرتغال، اسلواکی، اسلونی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، بلغارستان، کرواسی، رومانی، انگلستان، ایالات متحده آمریکا

4. اروگوئه، ترینیداد و توباگو، امارات متحده عربی، قطر، عربستان سعودی، سنگاپور، شیلی، الجزایر، آرژانتین، بوسنی و هرزگوین، بوتسوانا، برزیل، چین، کلمبیا، کاستاریکا، اکوادور، ایران، جامائیکا، قزاقستان، لبنان، مقدونیه، مالزی، مکزیک، مونته‌نگرو، نامیبیا، پاناما، پرو، روسیه، آفریقای جنوبی، سورینام، تایلند، ترکیه، ونزوئلا

5. درصدی از جمعیت بالغ (18 تا 64 سال) که در فرایند راه‌اندازی یک کسب‌وکار هستند یا به تازگی کسب و کاری را راه‌اندازی کرده است.

6. درصدی از جمعیت بالغ (18 تا 64 سال) که بطور فعال درگیر راه‌اندازی کسب و کارها هستند، برای هیچ کارمندی حقوقی بیش از سه‌ماه پرداخت نکرده است.

7. درصدی از جمعیت بالغ (18 تا 64 سال) که فراتر از مرحله نوظهور قرار دارند و بیش از سه ماه و کمتر از 42 ماه حقوق به کارکنان پرداخت کرده است

8. این شاخص بر اساس میانگین وزنی ابعاد مختلف رقابت‌پذیری، برای هر کشور اندازه‌گیری می‌شود؛ این ابعاد در 12 رکن رقابت‌پذیری گروه‌بندی شده‌اند: که عبارت‌اند از: نهادها، زیرساخت‌ها، محیط اقتصاد کلان، بهداشت و آموزش ابتدایی، آموزش عالی، کارایی بازار کالا، کارایی بازار کار، توسعه بازار مالی، آمادگی تکنولوژیکی، اندازه بازار، پیچیدگی کسب‌وکار، و نوآوری."

درجه رقابت پذیری است). برای آزادی اقتصادی، از شاخص آزادی اقتصادی (IEF) استفاده می شود. گزارش های بنیاد هریتیج برای هر کدام از این زیرشاخص ها امتیازی بین صفر تا 10 در نظر گرفته است<sup>1</sup> و هر چه امتیاز بیشتر باشد نشان دهنده آزادی اقتصادی بیشتر است. برای اندازه گیری کیفیت حکمرانی از شاخص حکمرانی (GOV) استفاده می شود.<sup>2</sup> لذا ارتباط بین متغیرهای مورد استفاده در پژوهش به صورت زیر مدل سازی می شود:

$$\begin{aligned} & \text{Log}(TEA_{it}(NER_{it}, NBOR_{it})) \\ & = \beta_0 \\ & + \beta_1 \text{Log}(TEA_{it}(-1)(NER_{it}(-1), NBOR_{it}(-1)) + \beta_2 \text{LogGDP}_{it} \\ & + \beta_3 \text{LogUNEM}_{it} + \beta_4 \text{LogINF}_{it} + \beta_5 \text{LogTAX}_{it} + \beta_6 \text{LogFDI}_{it} \\ & + \beta_7 \text{LogDCP}_{it} + \beta_8 \text{LogGCI}_{it} + \beta_9 \text{LogIEF}_{it} + \beta_{10} \text{LogGOV}_{it} + \alpha_i \\ & + \varepsilon_{it} \quad (1) \end{aligned}$$

که در آن  $\text{LogTEA}_{it}$  بیانگر لگاریتم نرخ کل فعالیت های کارآفرینانه نوپا؛  $\text{LogNER}_{it}$  لگاریتم نرخ کارآفرینی نوظهور؛  $\text{LogNBOR}_{it}$  لگاریتم نرخ کارآفرینی جدید؛  $\text{LogGDP}_{it}$  لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه؛  $\text{LogUNEM}_{it}$  لگاریتم نرخ بیکاری؛  $\text{LogINF}_{it}$  لگاریتم تورم؛  $\text{LogTAX}_{it}$  لگاریتم مالیات کل؛  $\text{LogFDI}_{it}$  سرمایه گذاری مستقیم خارجی؛  $\text{LogDCP}_{it}$  لگاریتم اعتبار اعطا شده به بخش خصوصی (توسعه مالی)؛  $\text{LogGCI}_{it}$  لگاریتم شاخص رقابت پذیری جهانی؛  $\text{LogIEF}_{it}$  لگاریتم شاخص آزادی اقتصادی؛  $\text{LogGOV}_{it}$  لگاریتم شاخص حکمرانی خوب؛  $i$  و  $t$  نشان دهنده کشور و سال برای هر متغیر و  $\alpha_i$  نشان دهنده ویژگی های پایدار کشورها و  $\varepsilon_{it}$  جمله خطا است. شایان ذکر است که تحلیل نتایج مدل با استفاده از نرم افزار STATA 14 انجام شده است.

1. آزادی اقتصادی یک کشور را از طریق مجموعه ای شامل 12 عامل کمی و کیفی که در چهار رکن آزادی اقتصادی گروه بندی شده است، اندازه می گیرد. میانگین امتیازهای کسب شده در این 12 متغیر تعیین کننده امتیاز نهایی شاخص آزادی اقتصادی برای هر کشور خواهد بود.

2. شاخص حکمرانی از طریق میانگین شش زیرشاخص دیگر شامل: شفافیت و پاسخگویی، ثبات سیاسی و فقدان خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد، اندازه گیری می شود. هر زیرشاخص ارزشی بین 2/5- تا 2/5 دارد که ارزش مثبت بالاتر نشان دهنده عملکرد حکمرانی بالاتر است. برای امکان مقایسه و همسان نمودن، این متغیرها با روش زیر بین صفر و 10 نرمال گردیده اند:

$(\text{value} - \text{min}) / (\text{max} - \text{min}) \times 10$  که value برابر با مقدار هر شاخص برای هر کشور است و min و max به ترتیب حداقل و حداکثر مقادیر مشاهده شده اندازه گیری شده برای متغیرهای نهادی مختلف برای هر کشور است.

از آنجا که در معادله (1) متغیر وابسته به صورت وقفه در طرف راست ظاهر شده است، دیگر برآورد گره‌های حداقل مربعات معمولی (OLS) سازگار نیست (Arellano & Bond, 1991) و باید به روش‌های برآورد دومرحله‌ای (2SLS) یا گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) متوسل شد. از جمله روش‌های اقتصادسنجی مناسب برای حل یا کاهش مشکل درونزا بودن شاخص‌ها و همبستگی بین متغیرهای توضیحی، تخمین مدل با استفاده از گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) است. اما این روش با محدودیت‌هایی مانند دشوار بودن یافتن متغیر ابزاری مناسب و محدود بودن این نوع متغیرها همراه است. روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) مزیت‌هایی مانند لحاظ نمودن ناهمسانی فردی و حذف تورش‌های موجود در رگرسیون‌های مقطعی دارد که نتیجه آن تخمین‌های دقیق‌تر، با کارایی بالاتر و هم خطی کمتر خواهد بود. در این مقاله از روش برآورد سیستمی گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)، استفاده شده است.

#### جدول 1. آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی در کشورهای منتخب

کشورهای توسعه یافته				کشورهای در حال توسعه				نام متغیر
حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	
9/46	1/3	1/659	4/317	25/89	0/76	5/547	9/027	کارآفرینی نوظهور (NER)
6/26	1/05	1/091	3/165	28/13	2/12	5/198	7/14	کارآفرینی جدید (NBOR)
14/26	2/35	2/399	7/373	35/97	2/93	8/16	15/732	کارآفرینی نوپا (TEA)
23/985	-12/976	3/977	0/525	9/423	-8/553	3/119	2/455	رشد تولید ناخالص داخلی سرانه
27/47	2/49	5/351	10/273	25/16	0/49	6/274	7/675	نرخ بیکاری
15/402	-1/736	2/133	1/909	39/266	-1/352	5/778	5/468	تورم
75/3	18/4	12/628	42/747	47/9	18	7/233	35/232	نرخ مالیات
80/984	-15/989	9/704	4/602	22/322	0/056	4/455	5/071	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
89/9	36/2	8/753	67/324	89/405	40/266	12/344	61/949	آزادی اقتصادی
5/612	3/859	0/53	4/72	5/673	3/448	0/494	4/379	رقابت‌پذیری جهانی
201/258	6/543	43/212	99/719	150/974	11/393	45/08	71/9	اعتبار داخلی
1/889	-1/853	0/893	0/787	1/568	-1/542	0/701	0/115	شاخص حکمرانی

(منبع: یافته‌های تحقیق)

#### یافته‌ها

در جدول 1، آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده در پژوهش در دو گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته گزارش شده است.

نتایج تجربی مدل در جدول (2) گزارش شده است. مطابق با نتایج حاصله، تأثیرگذاری وضعیت اقتصاد کلان کشور و محیط نهادی برحسب انواع فعالیت‌های کارآفرینی و همچنین برحسب سطح توسعه‌یافتگی کشورها متفاوت است. همچنین نتایج آزمون‌های تشخیصی در انتهای جدول بیانگر این است که آزمون سازگان معنادار است، به این مفهوم که ابزارهای مورد استفاده در مدل اعتبار دارد. همچنین آزمون‌های خودهمبستگی آرانو و باند بیانگر وجود خودهمبستگی مرتبه اول (AR(1)) و عدم وجود خودهمبستگی مرتبه دوم (AR(2)) است که با مبانی آزمون‌های تشخیصی مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) سازگار است.

جدول 2. عوامل تعیین‌کننده فعالیت کارآفرینانه

کشورهای توسعه یافته			کشورهای در حال توسعه			گروه کشور
کارآفرینی نوظهور	کارآفرینی جدید	کارآفرینی نوپا	کارآفرینی نوظهور	کارآفرینی جدید	کارآفرینی نوپا	متغیر وابسته
-	-	0/551*** (0/157)	-	-	0/315*** (0/09)	وقفه اول کارآفرینی نوپا
-	0/47*** (0/172)	-	-	0/438*** (0/15)	-	وقفه اول کارآفرینی جدید
0/248** (0/12)	-	-	0/695*** (0/099)	-	-	وقفه اول کارآفرینی نوظهور
0/075*** (0/023)	0/042* (0/022)	0/085*** (0/023)	0/016 (0/09)	0/076*** (0/027)	0/062*** (0/018)	رشد تولید ناخالص داخلی سرانه
0/132*** (0/029)	0/039 (0/032)	***0/163 (0/051)	0/159*** (0/047)	0/105 (0/085)	0/221*** (0/065)	نرخ بیکاری
***0/062 (0/019)	***0/053 (0/015)	0/041** (0/021)	-0/123*** (0/045)	-0/143*** (0/041)	-0/257*** (0/055)	تورم
-0/027** (0/013)	-0/014** (0/005)	-0/02** (0/009)	-0/184** (0/081)	0/056 (0/117)	***-0/231 (0/16)	نرخ مالیات
0/022** (0/01)	0/001 (0/009)	0/028*** (0/009)	** -0/041 (0/014)	***-0/021 (0/005)	***-0/037 (0/006)	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
-0/002 (0/005)	***-0/015 (0/004)	***-0/017 (0/007)	0/017 (0/011)	0/030*** (0/08)	0/038** (0/017)	دسترسی به منابع مالی
***0/014 (0/01)	0/038*** (0/013)	0/061*** (0/014)	0/005 (0/013)	0/015 (0/025)	0/016 (0/034)	شاخص آزادی اقتصادی
-0/067** (0/025)	**_0/071 (0/027)	**_0/078 (0/036)	0/043*** (0/005)	***0/033 (0/012)	**0/028 (0/014)	شاخص رقابت‌پذیری جهانی
**_0/012 (0/005)	**_0/025 (0/012)	**_0/037 (0/017)	***0/027 (0/011)	0/038*** (0/012)	0/046** (0/017)	شاخص حکمرانی

آزمون‌های تشخیصی

کشورهای توسعه یافته			کشورهای در حال توسعه			گروه کشور
-2/49 (0/014)	-2/54 (0/011)	-2/44 (0/015)	-1/91 (0/056)	-2/17 (0/03)	-2 (0/045)	خودهمبستگی مرتبه اول
0/09 (0/925)	1/45 (0/148)	1/46 (0/145)	0/04 (0/967)	-0/52 (0/604)	-1/67 (0/096)	خودهمبستگی مرتبه دوم
69/72 (0/027)	79/51 (0/25)	72/66 (0/359)	40/3 (0/048)	30/42 (0/01)	30/25 (0/011)	آزمون سارگان

(منبع: محاسبات تحقیق) ضرایب معناداری در \*10٪، \*\*5٪ و \*\*\*1٪

در خصوص متغیرهای اقتصاد کلان نتایج بدست آمده با پیش‌بینی‌های مطالعات تئوریک و یافته‌های مطالعات تجربی سازگار است. تولید ناخالص داخلی سرانه با انواع مختلف فعالیت-های کارآفرینانه (به‌غیر از نرخ کارآفرینی جدید در کشورهای در حال توسعه) در دو گروه کشور مورد بررسی ارتباط مثبت و معنادار دارد. افزایش درآمد تشکیل کسب و کارهای جدید را از طریق افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات تحریک می‌کند. این نتایج مطابق با یافته‌های مطالعات تجربی دیگر می‌باشد (Vidal-Suñé & Lopez-Panisello, 2013).

نرخ بیکاری نیز رابطه مثبتی با همه‌ی انواع فعالیت کارآفرینانه (به‌جز نرخ کارآفرینی نوظهور) در دو گروه کشورهای مورد بررسی دارد. این یافته‌ها با نتایج بدست آمده بوسیله سایر مطالعات (Wennekers et al, 2005; Vivarelli, 2013; Vidal-Suñé & Lopez-Panisello, 2013) مطابقت دارد و نشان می‌دهد که در نرخ بیکاری بالاتر احتمال شکل‌گیری فعالیت‌های کارآفرینانه افزایش می‌یابد.

نرخ تورم رابطه معکوسی با انواع فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای در حال توسعه دارد. نرخ بالاتر تورم عمدتاً در کشورهای در حال توسعه منجر به افزایش هزینه‌ها برای کسب-و کارهای جدید، کاهش دسترسی به منابع مالی و افزایش نابرابری درآمدی افراد می‌شود. این یافته‌ها با نتایج مطالعات تجربی دیگر (Djankov et al, 2010; Arin et al, 2015) سازگار است. در عین حال، ارتباط نرخ تورم با انواع فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای توسعه یافته مثبت و معنادار است. با وجود نرخ‌های تورم عمدتاً پایین در کشورهای توسعه یافته، افزایش نسبی تورم منجر به افزایش فرصت‌های کسب و کار در کشورهای توسعه یافته می‌شود؛ زیرا افزایش قیمت برای کالاها و خدمات ممکن است بر افزایش درآمد کارآفرینان نیز تأثیر گذار باشد که خود

نوعی انگیزه برای افزایش فعالیت و تولید است. این یافته با نتایج مطالعاتی مانند ( Vidal-Suñé & Lopez-Panisello, 2013; Sayed & Slimane, 2014) سازگار است.

نرخ مالیات به عنوان یکی از موانع مهم برای انواع فعالیت کارآفرینی در دو گروه کشور مورد بررسی می باشد. نرخ بالاتر مالیات می تواند فعالیت کارآفرینی کمتری را ایجاد کند و باعث جذابیت کمتر این فعالیت ها نسبت به گزینه های شغلی حقوق بگیر شوند. این نتایج مطابق با انتظارات است و همچنین با یافته های مطالعات دیگر ( Vidal-Suñé & Lopez-Panisello, 2013; Sayed & Slimane, 2014; Salman, 2014) مشابه می باشد.

سرمایه گذاری های مستقیم خارجی ضرایب متفاوتی بر انواع نرخ فعالیت کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته دارد. بنابراین، برای کشورهای در حال توسعه، ضریب منفی نشان می دهد که وقتی سرمایه گذاران جدید وارد یک کشور می شوند (افزایش FDI داخلی)، بسیاری از افراد می توانند مشاغل با درآمد خوبی از جمله فعالیت های کارآفرینی را پیدا کنند و علاقه ای به درآمدهای جایگزین ندارند. این یافته ها مطابق با نتایج به دست آمده از دیگر مطالعات تجربی در این زمینه می باشد (برای مثال Danakol et al, 2013; Chowdhury et al, 2015). از طرف دیگر، ضریب این متغیر برای کشورهای توسعه یافته مثبت است. اثرات مثبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) بر کارآفرینی عبارتند از: افزایش جریان تجارت، تحریک رقابت پذیری بنگاه های موجود و همچنین ایجاد مهارت های مدیریتی برای کارآفرینان از طریق تحرک مدیران و کارگران در کسب و کارهای دارای مالکیت خارجی. این نتیجه مطابق با یافته های مطالعات موجود در ادبیات کارآفرینی است ( Doytch & Epperson, 2012; Kim & Li, 2014).

نتایج بیانگر ارتباط منفی بین دسترسی به تامین مالی و کارآفرینی نوپا (TEA) و کارآفرینی جدید (NER) در کشورهای توسعه یافته است که با یافته های تجربی مطالعات دیگر مشابه می باشد ( Klapper et al, 2010; Sayed & Slimane, 2014). این نتایج نشان می دهند که کاهش در جریان اعتباری به بخش خصوصی، به عنوان مانعی برای پتانسیل های کارآفرینی در نظر گرفته نمی شوند؛ زیرا دلیل تأثیر منفی تامین مالی در کشورهای توسعه یافته را می توان عدم اتکای

کارآفرینان بر تأمین مالی از طریق اعتبارات بانکی دانست (تأمین منابع مالی از سایر طرق مانند فرشتگان کسب و کار، سرمایه مخاطره پذیر، بازار سرمایه و ...) دانست. از سوی دیگر، رابطه مثبت بین دسترسی به تأمین مالی کارآفرینی نوپا (TEA) و کارآفرینی جدید (NER) در کشورهای در حال توسعه با یافته‌های مطالعات تجربی دیگر ( Slimane, 2014; Arin et al, 2015) سازگار می‌باشد. افزایش در جریان اعتبار به بخش خصوصی نشان‌دهنده افزایش سهولت بنگاه‌ها در بدست آوردن منابع مالی است. اما از طرفی مثبت بودن این تأثیر در کشورهای در حال توسعه را می‌توان به بانک محور بودن تأمین منابع مالی در کشورهای در حال توسعه نسبت داد که با نتایج زیوری و همکاران (1398)، سازگار است.

ارتباط آزادی اقتصادی با انواع فعالیت کارآفرینانه شامل کارآفرینی نوپا (TEA)، کارآفرینی نوظهور (NBOR) و کارآفرینی جدید (NER)، در کشورهای توسعه یافته مثبت و معنادار است. بر طبق یافته‌های مطالعات موجود ( Nyström, 2008; Crnogaj & Bradač Hojnik, 2016)، افزایش آزادی اقتصادی برای کارآفرینان حائز اهمیت است، زیرا با ایجاد محیط اقتصادی بهتر، فرصت‌های مناسب‌تری برای ایجاد کسب و کارهای جدید بوجود می‌آید. البته تأثیر این متغیر بر کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه معنادار نبوده است که دلیل آنرا می‌توان به ضعف شدید در شاخص کیفیت نهادی آزادی اقتصادی در اینگونه کشورها نسبت داد. شاخص رقابت‌پذیری رابطه معکوسی با انواع فعالیت کارآفرینانه در کشورهای توسعه یافته دارد. زمانی که رقابت‌پذیری یک کشور افزایش می‌یابد، پویایی کارآفرینانه کاهش می‌یابد و رقابت‌پذیری بیشتر اقتصادها فعالیت‌های کارآفرینی نوپای کمتر و رقابت‌پذیری کمتر اقتصادها نرخ بالاتری از فعالیت‌های کارآفرینانه را ثبت کرده است. این نتایج در راستای ادبیات در این زمینه می‌باشد (Acs & Amoros, 2008). اما از طرفی تأثیر این شاخص بر انواع فعالیت کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه مثبت است. که در توضیح، می‌توان به تأثیر کیفیت نهادی بالاتر بر کاهش فعالیت‌های کارآفرینی ضرورت‌نگرا (غیرمولد) و افزایش فعالیت‌های کارآفرینی فرصت‌گرا (مولد) در کشورهای در حال توسعه اشاره کرد. نهایتاً تأثیر شاخص‌های

حکمرانی در کشورهای توسعه یافته بر انواع فعالیت کارآفرینی منفی و در کشورهای در حال توسعه مثبت است. مطالعات تجربی متعددی (Baumol, 1990; Hall & Sobel, 2008; Friedman, 2011) روشن کرده اند که کیفیت نهادی بر تصمیم فرد برای تبدیل شدن به کارآفرین نقش مهمی را بازی می کند. بعنوان مثال دا و کوروو-کازرا<sup>1</sup> (2014)، نشان دادند کیفیت نهادی بالاتر منجر به کاهش ایجاد بنگاه ها در بازار و تعداد کارآفرینان خواهد شد، و از طرفی در کشورهای ثروتمندتر، بازارهای کار، شغل های پایدارتری را ارائه می دهند و افراد گزینه های استخدام (دستمزد بگیری) را جذاب تر از شروع یک کسب و کار (خوداشتغالی) می دانند. اما با این حال، با توجه به میزان نرخ بیکاری بالاتر در کشورهای در حال توسعه و هزینه فرصت پایین فعالیت های کارآفرینی، افزایش شاخص حکمرانی می تواند باعث انگیزه شروع کسب و کار گردد.

### بحث و نتیجه گیری

در این مطالعه، تأثیر برخی متغیرهای اقتصاد کلان و کیفیت نهادی بر مراحل مختلف کارآفرینی (فعالیت کارآفرینی نوپا، کارآفرینی نوظهور و کارآفرینی جدید) بررسی شد. همچنین، رابطه بین برخی شاخص های اقتصاد کلان، شاخص رقابت پذیری جهانی، شاخص آزادی اقتصادی، و شاخص حکمرانی با سه نوع فعالیت کارآفرینی مذکور در دو گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته بررسی شده است.

نتایج نشان می دهد که تأثیر شاخص های در نظر گرفته شده (GDP سرانه، بیکاری، تورم، نرخ مالیات، FDI، اعتبار داخلی، GCI، شاخص آزادی اقتصادی، شاخص حکمرانی) بر حسب نوع فعالیت کارآفرینی و میزان توسعه یافتگی کشورها متفاوت است. بنابراین، وضعیت اقتصادی کشورهای مورد بررسی و کیفیت نهادی تأثیر معنادار و متفاوتی بر انواع فعالیت کارآفرینی دارند و نشان دهنده رابطه وابستگی بین متغیرها و عمر کسب و کارها است.



نتایج همچنین نشان داد که وضعیت محیط اقتصاد کلان تأثیر مهمی بر تصمیم فرد برای کارآفرینی دارد. همچنین، آزادی اقتصادی با همه انواع کارآفرینی در کشورهای توسعه‌یافته ارتباط مثبتی دارد. کیفیت حکمرانی و رقابت‌پذیری اقتصادی با فعالیت‌های کارآفرینی در کشورهای توسعه‌یافته ارتباط منفی و دارای ارتباط مثبت در کشورهای در حال توسعه است. بطور کلی نتایج نشان داد که سطح آزادی اقتصادی، کیفیت حکمرانی، سطح رقابت‌پذیری و کل محیط اقتصادی تخمین‌زننده قوی کارآفرینی در میان کشورهای نمونه هستند که داده‌های قابل مقایسه‌ای را بوجود می‌آورند.

از جمله پیشنهادات سیاستی نتایج پژوهش، نخست آن است که محیط نهادی و محیط اقتصاد کلان در هر کشور از جمله عوامل اساسی در شکل‌گیری و تداوم کسب و کارهای کارآفرینانه است. لذا، سیاست‌گذاری برای توسعه کارآفرینی و بهبود محیط کسب و کار، مستلزم توجه و اتخاذ سیاست‌هایی برای ارتقای کیفیت نهادی و بهبود محیط اقتصاد کلان است. با توجه به اهمیت رقابت‌پذیری اقتصادی و کیفیت حکمرانی در کشورهای در حال توسعه، لازم است، بهبود کیفیت شاخص‌های حکمرانی و بهبود سطح رقابت‌پذیری کشور را در اولویت سیاست‌گذاران قرار گیرد. ثانیاً، بهبود محیط کسب و کار یکی از مهمترین راهبردهای توسعه اقتصادی هر کشور به شمار می‌رود. هرچه محیط کسب و کار یک کشور شرایط بهتری داشته باشد، بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی بیشتر و عملکرد اقتصاد آن کشور و خلق ارزش و ثروت در آن جامعه نیز بیشتر می‌شود. ثالثاً، ارتقای کیفیت نهادی و بهبود محیط کسب و کار فرآیندی زمانبر و مستلزم برنامه‌ریزی دقیق است. لذا مطالعه و بررسی نقاط ضعف کشور در زمینه شاخص‌های کیفیت نهادی، بویژه شاخص رقابت‌پذیری و آزادی اقتصادی و حکمرانی از پیشنهادات برای مطالعات آینده است. همچنین با توجه به اهمیت شاخص‌های کیفیت نهادی و محیط اقتصاد کلان بر انواع کارآفرینی، بررسی تاثیر این شاخص بر انگیزه کارآفرینی (فرصت‌گرا و ضرورت‌گرا) را در گروه کشورها از دیگر پیشنهادات برای مطالعات آینده است.

## منابع

- زیوری، امینه؛ محمدی خیاره، محسن؛ مظهری، رضا. (1398). تاثیر دسترسی به منابع مالی بر فعالیت‌های کارآفرینانه: مقایسه کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه. توسعه کارآفرینی. 12(4)، 561-580.
- محمدزاده، یوسف؛ حکمتی فرید، صمد؛ میر علی اشرفی، کبری. (1395). بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر روی توسعه کارآفرینی در کشورهای منتخب. توسعه کارآفرینی. 9(2)، 376-357.
- مرادی، محمد علی؛ سخدری، کمال؛ صنیعی، شیما. (1396). تأثیر عوامل نهادی بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه. توسعه کارآفرینی، 10(2)، 339-358.
- Acs, Z. A., Estrin, S., Mickiewicz, T. & Szerb, L. (2017). Institutions, Entrepreneurship and Growth: The Role of National Entrepreneurial Ecosystems, SSRN Working Paper N. 2912453, DOI: 10.2139/ssrn.2912453
- Acs, Z. J., & Amorós, J. E. (2008). Entrepreneurship and competitiveness dynamics in Latin America. *Small Business Economics*, 31(3), 305-322.
- Acs, Z. J., Estrin, S., Mickiewicz, T., & Szerb, L. (2018). Entrepreneurship, institutional economics, and economic growth: an ecosystem perspective. *Small Business Economics*, 51(2), 501-514.
- Aidis, R., Estrin, S., & Mickiewicz, T. (2010). Institutions, finance and the level of development: the impact on entrepreneurship in transition. *Review of Economics and Institutions*, 1 (1), 1-26.
- Aparicio, S., Urbano, D., and Audretsch, D. (2016). Institutional Factors, Opportunity Entrepreneurship and Economic Growth: Panel Data Evidence. *Technological Forecasting and Social Change*, 102, 45-61.
- Arellano, M., & Bond, S. (1991). Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations. *The review of economic studies*, 58(2), 277-297.
- Arin, K. P., Huang, V. Z., Minniti, M., Nandialath, A. M., & Reich, O. F. (2015). Revisiting the determinants of entrepreneurship: a Bayesian approach. *Journal of Management*, 41 (2), 607-631.
- Audretsch, D. B., Grilo, I. & Thurik, R. (2007). Explaining Entrepreneurship and the Role of Policy: A Framework, in D.B. Audretsch, I. Grilo and A.R. Thurik, ed. *Handbook of Research on Entrepreneurship Policy*, Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited, 1-17.
- Ayyagari, M., & Kosova, R. (2010). Does FDI facilitate domestic entry? Evidence from the Czech Republic. *Review of International Economics*, 18 (1), 14-29.
- Baumol, W. J. (1990). Entrepreneurship: productive, unproductive and destructive. *Journal of Political Economy*, 98(5), 893-921.
- Bjørnskov, C., & Foss, N. J. (2008). Economic freedom and entrepreneurial activity? Some cross-country evidence. *Public Choice*, 134 (3), 307-328.

- Bjørnskov, C., & Foss, N. J. (2016). Institutions, entrepreneurship, and economic growth: what do we know and what do we still need to know? *Academy of Management Perspectives*, 30(3), 292-315.
- Chowdhury, F., Audretsch, D. B., & Belitski, M. (2019). Institutions and entrepreneurship quality. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 43(1), 51-81.
- Chowdhury, F., Terjesen, S., & Audretsch, D. (2015). Varieties of entrepreneurship: institutional drivers across entrepreneurial activity and country. *European Journal of Law and Economics*, 40 (1), 121-148.
- Crnogaj, K., & Bradač Hojnik, B. (2016). Institutional determinants and entrepreneurial action. *Management*, 21(Special Issue), 131-150.
- Danakol, S. H., Estrin, S., Reynolds, P., & Weitzel, U. (2013). Foreign direct investment and domestic entrepreneurship: blessing or curse? *Small Business Economics*, 48(3), 599-612.
- Dau, L. A., & Cuervo-Cazurra, A. (2014). To formalize or not to formalize: entrepreneurship and promarket institutions. *Journal of Business Venturing*, 29(5), 668- 686.
- Djankov, S., Ganser, T., McLiesh, C., Ramalho, R & „Shleifer, A. (2010). The effect of corporate taxes on investment and entrepreneurship. *Macroeconomics*, 2 (3), 31-64.
- Doytch, N., & Epperson, N. (2012). FDI and entrepreneurship in developing countries. *Global Science and Technology Forum Business Review*, 1, 120-125.
- Friedman, B. A. (2011). The relationship between governance effectiveness and entrepreneurship. *International Journal of Humanities and Social Science*, 1 (17), 221-225.
- Goel, R.K.; Nelson, M.A.; Payne, J.E. (2015) Entrepreneurship and cross-national economic freedom. In *Economic Behavior, Economic Freedom, and Entrepreneurship*; Cebula, R.J., Hall, C., Mixon, F.G., Jr., Payne, J.E., Eds.; Edward Elgar Publishing: Cheltenham, UK, pp. 222–235
- Hall, J. C., & Sobel, R. S. (2008). Institutions, entrepreneurship, and regional differences in economic growth. *Southern Journal of Entrepreneurship*, 1(1), 69-96.
- Kim, P. H., & Li, M. (2014). Injecting demand through spillovers: foreign direct investment, domestic socio-political conditions, and host-country entrepreneurial activity. *Journal of Business Venturing*, 29 (2), 210-231.
- Klapper, L., Amit, R., & Guillén, M. F. (2010). Entrepreneurship and firm formation across countries, Chapter 4. In J. Lerner & A. Schoar (Eds.), *International differences in entrepreneurship* (pp. 129-158). Chicago, IL, USA: University of Chicago Press.
- Kreft, S. F., & Sobel, R. S. (2005). Public policy, entrepreneurship, and economic freedom. *Cato Journal*, 25(3), 595-616.
- Meyer, K. E., & Sinani, E. (2009). When and where does foreign direct investment generate positive spillovers? A meta-analysis. *Journal of International Business Studies*, 40 (7), 1075-1094.
- Minniti, M., and Lévesque, M. (2010). Entrepreneurial Types and Economic Growth. *Journal of Business Venturing*, 25 (3), 305-314.
- Nissan, E., Martin, M. Á. G., & Picazo, M. T. M. (2011). Relationship between organizations, institutions, entrepreneurship and economic growth process. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 7(3), 311-324.
- Nyström, K. (2008). The institutions of economic freedom and entrepreneurship: evidence from panel data. *Public Choice*, 136 (3-4), 269-282.

- Rodríguez-Gulías, M. J., de Sousa Gabriel, V. M., & Rodeiro-Pazos, D. (2018). Effects of governance on entrepreneurship: European Union vs non-European Union, competitiveness review. *An International Business Journal*, 28 (1), 43-57.
- Salman, D. M. (2014). Mediating role of research and development on entrepreneurial activities and growth: evidence from cross-country data. *World Journal of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, 10(4), 300-313.
- Sayed, O., & Slimane, S. B. (2014). An appraisal of the determinants of entrepreneurship in developing countries: the case of the Middle East, North Africa and selected Gulf Cooperation Council Nations. *African Journal of Social Sciences*, 4(4), 63-74.
- Schumpeter, J. A. (1934). *The theory of economic development*. Cambridge: Harvard University Press.
- Shane, S. A. (2003). *A general theory of entrepreneurship: The individual-opportunity nexus*. Edward Elgar Publishing.
- Simón-Moya, V., Revuelto-Taboada, L., & Guerrero, R. F. (2014). Institutional and economic drivers of entrepreneurship: an international perspective. *Journal of Business Research*, 67(5), 715-721.
- Sobel, R. (2008). Testing Baumol: institutional quality and the productivity of entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 23(6), 641-655
- Stenholm, P., Acs, Z. J., & Wuebker, R. (2013). Exploring country-level institutional arrangements on the rate and type of entrepreneurial activity. *Journal of Business Venturing*, 28(1), 176-193.
- Urbano, D., & Alvarez, C. (2014). Institutional dimensions and entrepreneurial activity: an international study. *Small business economics*, 42(4), 703-716.
- Van Praag, M.C. (1999). Some classic views on entrepreneurship. *De Economist*, 147, 311- 335.
- Van Stel, A., Wennekers, S., and Scholman, G. (2014). Solo Self -employed versus Employer Entrepreneurs: Determinants and Macroeconomic Effects in OECD Countries. *Eurasian Business Review*, 4 (1), 107-136.
- Vidal-Suñé, A., & Lopez-Panisello, M. B. (2013). Institutional and economic determinants of the perception of opportunities and entrepreneurial intention. *Investigaciones regionales, Journal of Regional Research*, 26, 75-96.
- Vivarelli, M. (2013). Is entrepreneurship necessarily good? Microeconomic evidence from developed and developing countries. *Industrial and Corporate Change*, 22 (6) , 1453-1495.
- Welter, F., & Smallbone, D. (2011). Institutional Perspectives on Entrepreneurial Behavior in Challenging Environments. *Journal of Small Business Management*, 49(1), 107 -125.
- Wennekers, S., van Stel, A., Thurik, R., Reynolds, P. (2005). Nascent entrepreneurship and the level of economic development. *Small Business Economics*, 24(3), 293-309.
- Williamson, C.R. (2013). Disentangling institutional determinants of entrepreneurship. *American Journal of Entrepreneurship*, 1, 40 –66.
- World Economic Forum. (2015). *The Global Competitiveness Report 2015-2016*. Geneva.